

# ”بیداران“ فرقه افراطی مذهب مد نی



## وُکیزم (Wokeism)

### هرمز هوشمند

گفته می شود انسان هائی که یکدیگر را از نزدیک نمی شناسند برای همکاری نیاز به ارزشها و دیدگاه های مشترک اخلاقی دارند. از بدو شکل گیری تمدن بشری حاکمان و قدرتمداران برای برقراری وحفظ هیرارشی قدرت از روایتها، و بزبان مدرن ایدئولوژی استفاده کرده اند. این روایات یا ایدئولوژی ها ساخته ذهن انسان است که واقعیت های فیزیکی و تخیلی را در هم می آمیزد تا ساختار "خوب و بد" شکل دهد، که تبدیل به اخلاق جمعی میشود.



دیوید هیوم، فیلسوف تجربی قرن هجدهم، گفته ای دارد که می تواند در درک رفتار انسان، به ویژه در موقع بحرانی، مفید باشد. او می گوید: "منطق برده احساسات تند است Reason is the Slave of Passion". به عبارت دیگر، منطق نه تنها مستقل از احساسات ما نیست، بلکه تابعی از آن است. جدا کردن احساسات از منطق یک مفهوم ساختگی بشر برای درک رفتار انسانهاست. چنین تقسیم بندی بی در نظام طبیعی نیست. مغز ما دارای ساختاری کلیست، که در آن هم عوامل با هم کار می کنند. غریزه ها و نیازهای اساسی

که رفتار انسان اولیه را از زمان پارینه سنگی شکل داده اند، تا کنون تغییر چشمگیری نکرده اند. این درحالی است، که شرایط زیستی انسان‌ها دائماً در حال تغییر است. رفتار ما در مواجهه با شرایط جدید، به ویژه در مرحله‌های بحرانی، تفاوت چندانی نکرده است.

افزون بر این، در فرآیند تحول بیولوژیکی (Evolutionary Process) غریزه‌ها و نیازها نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری رفتار انسان داشته اند و دارند. یکی از مهمترین رفتارهای بدوي ما "دنباله روی ازجمع" (herd mentality) است. مذهب برپایه همین رفتار بدوي شکل گرفته است. کشتن خدا به دست انسان (به گفته فردیک نیچه) در دوران مدرن به این معنا نیست که رفتار مذهبی ما با مفهوم خدا از بین رفته است. در واقع روایتهاي متأفیزیکی منسوخ، و روایتهاي نوینی جایگزین آنها شده اند.

در دنیای امروزی، نقد روایتهاي متأفیزیکی مذهبهاي کهن ازطرف بخشی از مردم، منجر به پدیدار شدن روایتهاي مدرن شده است. نتیجه این که رفتار مذهبی انسان‌ها شکل‌های تازه‌یی به خود گرفته اند. یکی از مهمترین روایتهاي مدرن، که جمعیت زیادی را هم مذوب خود ساخته، روایت "حقوق بشر" است، که اخلاق انسان مدرن را تا حدود زیادی شکل داده است. چنین روایتی ساخته ذهن انسان با هدف شکل دادن به هیرارشی و مدیریت قدرت اجتماعی در دوران معاصر است. روایتهاي مذهبی کهن در دوران گذشته نیز چنین نقش را بازی می‌کرده اند. امروزه خدا را از آسمان به روی زمین آورده ایم و انسان انتزاعی را مقدس و خدای گونه کرده ایم. اما این به آن معنا نیست که در برخورد با داستان "حقوق بشر" رفتار مذهبی و یا به گفته‌ای دیگر "دنباله روی ازجمع" (herd mentality) را کنار گذاشته ایم.

"حقوق بشر" همچون مذهب‌های فرقه‌یی گوناگونی دارد. برخی برون‌گرا و پرخاشگر و برخی درون‌گرا و صلح طلب. فرقه‌ی "بیداران" (Wokeism) یکی از جدید ترین فرقه‌های افراطی و تهاجمی از روایت "حقوق بشر"، و خواهان جهاد برای گسترش ارزش‌های اخلاقی اش به تمام جهان است. این فرقه در حال حاضر با جریان "نهو محافظه کار" (Neoconservatism) "پیوند خورده و در خدمت "قدرت برتر" در دنیاى "غرب" قرار گرفته است. در دوران کلونیالیسم، قدرت سیاسی - نظامی اروپا در پیوند با مسیحیت برای دستیابی به سلطه جهانی بکار گرفته می‌شد، و امروزه

اتحاد " نئومحافظه کاران و بیداران" این هدف را دنبال می کند.

کریستوفر مات (Christopher Mott) در مقاله ژوئن 2022 "امپراتوری بیداران - <sup>۳</sup> Wock Imperium"، نتیجه گیری های کلی اتحاد "نئومحافظه کاران با بیداران" با ابعاد گوناگون اش در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا را به قرار زیر توضیح داده است:

- برای توجیه مداخله گرایی از طرف مدافعان برتری طلب آمریکا در تشکیلات سیاست خارجی ایالات متحده، از نظر تاریخی آنها بر روایات ویا ایدئولوژی های غالب زمانه تکیه می کنند. فرقه "بیداران"، به هدف های امپریالیستی و هژمونی طلب آمریکا چهره اخلاقی جدیدی میدهد. این فرقه با نشان دادن ایالات متحده به عنوان کلانتر اخلاق بین الملل و نه یک قدرت بزرگ متعارف "نئوامپریالیسم اخلاقی" را نتیجه میگیرد.

- این یک فرآیند با روش سیستماتیک با منطق درونی خود است، نه فرآیندی که توسط یک گروه توطئه گر (cabal) جهانی سازمان داده شده باشد. وقتی منطقه های قدیمی تر برای برتری، هژمونی و مداخله گرایی دیگر پاسخگو یا قانع کننده نیستند، طبقه حاکم به منطق جدیدی نیاز دارد که هنجارهای طبقه حاکم آن دوران را بهتر منعکس کند و به عنوان جایگزین پذیرفته شود. البته هدف اصلی حفظ هیمارشی قدرت موجود است.

- نتیجه سیاسی فعالیت فرقه "بیداران" مداخله تهاجمی برای استقرار "عدالت اجتماعی" در گوش و کنار دنیاست. بروکراسی حاکم بر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا این ایدئولوژی را گسترش داده، و به ویژه از جانب اعضای جامعه دانشگاهی، رسانه ای و طبقه مدیران حرفه ای (professional class) مورد توجه قرار گرفته و به سرعت پذیرفته شده است. این گروهها هم اکنون سطح بیشتری از همزیستی و همکاری با دولت آمریکا را در برگرفته اند.

- در این شرایط انتخاب حرفه و پیشرفت موقعیت شغلی در نهادهای قدرت، مستلزم علامت دادن به نخبگان حاکم، درو فداری به "پروگرسیزم" (جهان شمولی) ایدئولوژی رایج و مورد تأیید حاکمان آمریکا است. این جریان ایدئولوژیک در تداوم سیاست مداخله گرائی تهاجمی ایالات متحده بیشتر از پیش دامن میزند. ترکیب این عوامل سبب تشویق

- نهادها و نخبگان جدید در رواج شعارهای مد روز می‌شود.
- برآمد این سیاست سلطه طلب جدید با روایت امپریالیسم اخلاقی، در تضاد قرار میکیرد با ارزیابی هوشیارانه و واقع بینانه از منافع ایالات متحده. فرقه "بیداران" با ایجاد اهداف حداکثری، غیرقا بل دوام و تخیلی که با واقعیت های ملموس که استراتژی کلان ایالات متحده باید بر آن استوار باشد در تضاد قرارمیگیرد.
- با ترویج اخلاق گرایی و مهندسی اجتماعی در سطح جهانی، گرایش لیبرال آتلانتیسیست (Liberal-Atlanticist)، پتانسیل زیادی برای ایجاد واکنش منفی در دنیاگ "غیر غربی" دارد. چنین گرایشی "غرب" را به عنوان یک کل با آرمان‌های یک نیروی حاشیه ای "پروگرسیزم پست مدرن" شناسایی می‌کند، و می‌تواند شکل‌های جدیدی از ضدیت با "غرب" را در دنیاگ "غیر غربی" دامن بزنند.

همانطور که در مقدمه امده است، همکاری در جوامع مستلزم وجود روایت مشترک است. بدون چنین روایتی همکاری جمعی امکان پذیر نیست. نباید فراموش کرد، که این روایت‌ها ساخته و پرداخته ذهن انسان، با هدف مدیریت اجتماعی است، و نه یک پدیده طبیعی، مطلق و یا مقدس. روایت "حقوق بشر" از جمله روایت‌هایی است، که تا زمانی که بتواند پاسخگوی مدیریت اجتماعی و حفظ هیرارشی قدرت باشد به حیات خود ادامه می‌دهد. همانطور که در دوران ما قبل مدرن مذاهب کهنه این نقش را بازی می‌کردند و بعض‌ها نوز هم به کار خود ادامه می‌دهند.

آنچه تنش را در جوامع افزایش میدهد، برداشت افراطی، چه از مذهب‌های کهن و چه از روایت‌های مدرن است. فرقه "بیداران" برداشتی افراطی و میلیتانه از روایت "حقوق بشر" است که درست بخش از حاکمان ایالات متحده و دنیاگ "غرب" مسئول ایجاد تنش در جهان برای حفظ نظم جهانی موجود است. این فرقه در حال حاضر با سیاست‌های "هویتی (Identity Politic)" و عمدۀ کردن "برا برا طلبی" خود، اختلافها و درگیری‌ها در اینجا و آنجای جهان را دامن می‌زند، تا مبارزه طبقاتی و نابرابری اقتصادی، که با هدف‌های سلطه گرایانه حاکمان قدرتمند جهان "غرب" همخوانی ندارد، را به حاشیه براند.

ما در دوران پسا کلونیال و در گذار از دنیاگ تک قطبی به دنیاگ چند قطبی هستیم. اگر استفاده از نیروی نظامی در دوران کلونیال برای کشورهای کلونیال اروپایی نتیجه بخش بود، امروز کارایی خود

را تا حدودی از دست داده است.

در حالی که "غرب" به رهبری آمریکا در اکثر اقدامات نظامی خود پس از فروپاشی شوروی شکست خورده، برای حفظ هژمونی خود در جهان، سعی می کند از دو ابزار دیگر، اقتصادی و اخلاقی، که در اختیار دارد استفاده کند. به همین دلیل است که تحریم های اقتصادی بیش از هر زمان دیگری از سوی کشورهای "غربی" علیه مخالفان خود به کار گرفته میشود.

مهمنتر از ابزارهای اقتصادی، ابزارهای اخلاقی است. مهم ترین ابزار اخلاقی، روایت "حقوق بشر" بخصوص سیاست های "هویتی (Identity Politic)" آن است. فرقه "بیداران" نیرویی است که با استفاده افراطی از روایت "حقوق بشر" با اهداف هژمونیک "غرب" در برابر مخالفان خود همسو می شود. آنچه مهم میباشد، تفکیک و نقد استفاده ابزاری و افراطی از روایت "حقوق بشر" توسط نیروهای هژمونیک طلب "غرب" است.

هرمز هوشمند

۱۴۰۱ اسفند ۲۳

۱۴ مارس ۲۰۲۳

لینک ها :

1 - مذهب مدنی

[http://www.robertbellah.com/articles\\_5.htm](http://www.robertbellah.com/articles_5.htm)

<https://www.youtube.com/watch?v=p2WsKuhRcFo>

2 - وُکیزم

[Wokeism – YouTube](#)

3 - امپراتوری بیداران – Wock Imperium

[Woke Imperium: The Coming Confluence Between Social Justice and Neoconservatism – The Institute for Peace and Diplomacy – l'Institut pour la paix et la diplomatie \(\(peacediplomacy.org](#)